

سیاست روسیه در قبال انقلاب مشروطه ایران

کیومرث احمدی^۱*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۸

چکیده

روسیه یکی از بزرگ‌ترین بازیگران صحنه سیاسی ایران در انقلاب مشروطه به شمار می‌آید این کشور که همواره می‌کوشید به آب‌های گرم خلیج فارس دست یابد، ایران را منطقه‌ای جهت استثمار اقتصادی با امکانات استراتژیکی می‌پنداشت و سعی داشت از طریق آن علیه منافع بریتانیا در هند اعمال فشار نماید بنابراین از منظر مطامع روسیه، ایران باید از یکسو مستقل باقی می‌ماند و از سوی دیگر تحت تسلط روس‌ها قرار می‌گرفت از این رو انقلاب مشروطه که طغیانی علیه این سیاست و حرکتی به سوی حکومت ملی دموکراتیک محسوب می‌شد، منافع روس‌ها را در ایران تهدید کرد. به همین سبب دولت روسیه به پشتیبانی از مستبدین و مخالفان مشروطه خواه برخاست. پشتیبانی از محمد علی‌شاه به توپ بستن مجلس اول و اعلان اولتیماتوم به ایران جهت اخراج مورگان شوستر و تعطیلی مجلس دوم مخالفت با اصلاحات مشروطه‌خواهان و ایجاد اختلال و ناامنی و بی‌ثباتی سیاسی، و اشغال نظامی بخش‌های وسیعی از ایران نمونه‌هایی از مخالفت‌های آشکار روس‌ها با انقلاب مشروطه ایران است. در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و بر پایه گردآوری داده‌ها و اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای به تجزیه و تحلیل این آثار پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: روسیه، انقلاب مشروطه، محمدعلی شاه، مجلس، مشروطه‌خواهان.

۳۵۱



سیاست جهانی

10.22124/wp.2024.24714.3678

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره ۱۰، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰، صفحات: ۳۵۱-۳۶۳

۱. دکتری تاریخ اسلام، گروه علوم انسانی، مرکز شهدای مکه، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: K.ahmadi87@yahoo.com



مقدمه

ایران در قرن نوزدهم میلادی به سبب اهمیت استراتژیکی‌اش برای دو قدرت استعماری مورد توجه خاص بود و زیر فشار دو قدرت قرار گرفته بود و با همه تلاش‌های دیپلماتیک که از آغاز دوران قاجار تا انقلاب مشروطیت برای وارد کردن دولت سومی و تعدیل نفوذ روس و انگلیس صورت پذیرفت نتوانست از فشار دو سویه رهایی یابد زیرا هر گاه نیروی سومی به میدان می‌آمد ستیز آن دو با هم برای مدت کوتاهی کنار نهاده می‌شد و توافق آن‌ها با هم نیز می‌توانست استقلال ایران را به خطر اندازد و به تحکیم سلطه مشترکشان بر این کشور بینجامد. نفوذ و استیلا روسیه تزاری در ایران عصر قاجار از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار خارجی بود که از همان آغاز انقلاب مشروطیت به‌عنوان سدی محکم در برابر آزادی خواهان ایستاد هر چند در آغاز انقلاب مشروطه روسیه به دلیل شکست شکست از ژاپن و انقلاب ۱۹۰۵ میلادی غافلگیر گردید و نتوانست زیاد در انقلاب ایران دخالت داشته باشد ولی به محض ادامه انقلاب خصوصاً روی کار آمدن جانشین مظفرالدین شاه که فرمان مشروطه را امضاء کرده بود یعنی محمد محمد علی‌شاه روس‌ها با تمام قدرت دیپلماسی، نظامی خود عرصه را بر انقلابیون تنگ نموده زیرا هم شاه و هم افراد با نفوذ زیادی در دربار تحت نفوذ مستقیم روس‌ها بودند و بدین خاطر بود که در این زمان روس‌ها توانستند که انقلاب را به چالش کشاندن البته شکی نیست که روس‌ها به دلیل داشتن یک حکومت مستبد و استبدادی مایل نبودند که در همسایگی آن‌ها دولتی مشروطه و آزادیخواه بر سر کار آید، از طرف دیگر چون انگلیسی‌ها هم با روس‌ها در این زمان به دلیل روی کار آمدن قدرت جدید در اروپا یعنی آلمان و ترس از آن‌ها با روس‌ها به توافق رسیده و قرارداد ۱۹۰۷ میلادی را با هم به امضاء رسانده و دست روس‌ها را برای هرگونه اقدام نظامی و سیاسی علیه مشروطه باز گذاشتند و روس‌ها هم با توجه به اینکه شاه کاملاً تحت تعلیم و آموزش معلم روسی خود با هر گونه آزادی‌خواهی مخالف و به دنبال سرکوبی آن‌ها بود در چنین شرایطی روسیه نتوانست بر تمام ارکان حکومت قاجار حاکم گردد. در پی انقلاب مشروطه در ایران که به محدود کردن قدرت شاه منجر می‌شد روسیه با مخالفت با انقلاب برخاست، فرضیه این مقاله در پاسخ به چرایی مخالفت روسیه با انقلاب مشروطه ایران این است که



روسیه نفوذ خود را در ایران از طریق دربار دنبال می کرد و محدود شدن قدرت شاه به معنای تحدید نفوذ روسیه در ایران بود، که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.

۱. نفوذ روسیه در ایران قاجار

دوران سلطنت سلسله قاجار یکی از مهم ترین و پر حادثه ترین مقاطع تاریخ ایران بوده خصوصاً از زمان دومین پادشاه این سلسله که همراه با آغاز دستبردهای عظیم دولت روسیه تزاری به خاک پهناور ایران بود. وصیت نامه پترکیبر، منشور منقوری بود که سردمداران روسیه با سماجت در پی اجرای آن بودند و با تجاوزات و کشتارهای خونین خود طی دو جنگ ویرانگر که اساس سیاست روسیه در ایران بود را مبنای همان منشور عملی ساختند یعنی ایرانی تهیدست و ویران و ضعیف که دولت روسیه هرگاه بخواهد بتواند بی دردسر آن را از پای درآورد. با تصرف گرجستان و قفقاز که رگ حساس ایران بود همین که نوک بیشتر استیلای روسیه به آن رگ رسید فوران خون از دل ایران بیرون جهید. پس از این جنگ های خونین و جدایی بخش های وسیعی از سرزمین ایران و تثبیت همیشگی موقعیت خود روس ها به دنبال غارت و چپاول منابع ایران برآمده و با کسب امتیازات فراوان خود این کشور را از توان و قدرت محروم ساختند ظلم و ستم و استبداد داخلی شاهان و استعمار روسیه تزاری موجبات شروع قیام و خیزش آزادیخواهان را در ایران فراهم نمود و خواستار حکومتی پارلمانی به سبک اروپائیان شدند تا جایی که میرزا ملکم خان در روزنامه قانون نوشت: "اگر صاحب دین هستید قانون بخواهید اگر خانه خراب هستید قانون بخواهید (ملکم خان، ۱۳۴۰: ۳۲).

روس ها در تمام امور ایران علاوه بر مداخلات و سوء استفاده های مادی و اقتصادی و سیاسی در برابر هیأت حاکمه با رفتار توهین آمیز و بدون توجه به حیثیت این دولت و ملت مانند زالو خون آن ها را می مکیدند و با مردم و مأموران حکومت رفتاری زشت و زننده داشتند (بیانی، بی تا: ۸۶). با شدت گرفتن موج انقلاب در ایران که منجر به صدور فرمان مشروطیت توسط شاه گردید، روس ها به این نتیجه رسیدند که برای جلوگیری از نفوذ بیشتر انگلیس ها و مبارزه با مشروطه خواهان از دشمن ترین دشمن مشروطه یعنی محمدعلی شاه برای نابودی انقلاب حمایت جدی نمودند. این حقیقت نیز به جای خود باقی بود که دیپلماسی مقتدر روسیه در ایران که با صدها وسیله مرئی و نامرئی بر اعمال



و تصمیمات آن روز ایران حاکم بودند مخصوصاً از همان آغاز انقلاب تصمیم گرفتند که جانشین شاه را طوری تربیت کنند که در جهت منافع روس‌ها گام بردارد (شیخ الاسلامی، بی تا: ۲۱۷). روس‌ها تربیت وارث تاج و تخت ایران را مستقیماً به عهده گرفتند. برنامه تربیت ولیعهد ایران در تبریز که زیر نظر آموزگاران روسی و درباریان مورد اعتماد آن سفارت اجرا می‌شد بیشتر به همین منظور بود که شاه آینده را بدخواه و دشمن ملتش سازند تنظیم شده بود (شیخ الاسلامی، بی تا: ۲۱۶).

۲. نفوذ روسیه در ایران از طریق شاه قاجار

شاه جدید بعد از مرگ پدر مجری برنامه‌های دولت روسیه تزاری گردید و از همان آغاز با مشروطه‌خواهان به مخالفت علنی پرداخت شاه که اکنون تاج و تخت را در اختیار خود و نیروی عظیم روسیه تزاری را پشتیبان خود می‌دید هیچ توجهی به نمایندگان و مشروطه‌خواهان نشان نمی‌داد، بدین ترتیب باید گفت که آغاز سلطنت محمدعلی شاه را باید شروع مبارزه واقعی و قطعی روس‌ها و شاه علیه نیروهای ملی و عناصر رژیم استبدادی دانست (شمیم، ۱۳۸۰: ۲-۲۸۶).

از این تاریخ به بعد حمایت روس‌ها از شاه و استبداد پوسیده قاجارها که روزبه‌روز فقر و نابودی را برای این ملت به ارمغان می‌آورد بیشتر می‌گردید و با حمایت آن‌ها زمینه اقتدار شاه در برابر ملت شدت می‌گرفت. روس‌ها که با تمام قدرت از شاه حمایت می‌کردند تا در برابر مجلس و مشروطه‌خواهان به ستیز بپردازد وقتی دیدند که مجلس و مشروطه مانع جدی بوده برای اجرای مقاصد و برنامه‌های روس‌ها به صورت پنهانی با انگلیسی‌ها سرگرم عقد قراردادی شدند که می‌توانست تمامیت ارضی و استقلال ایران را از بین ببرد و آن قرارداد ۱۹۰۷ بود که در این زمان در حال امضاء و نهایی شدن بود. تلاش دیگر روس‌ها برای مبارزه با مشروطه‌خواهان و افزایش مجدد نفوذ خود در ایران حمایت از صدراعظم جدید اتابک بود وی که در اروپا بود و در دوره‌های قبل از مشروطه مجری اصلی واگذاری امتیازات ویرانگر به روس‌ها محسوب می‌شود به ایران برگشته و زمام نخست وزیری را بدست گرفت او کاملاً موافق با اهداف روس‌ها بوده و قول داده بود که مجلس را منحل کند (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۱۲۷). وی با روس‌ها هم پیمان بود و با هدف مبارزه با مشروطه به ایران برگشت (کسروی، ۱۳۵۷: ۴۶۰). اما قتل



اتابک یکی دیگر از مهره‌های وابسته به روس را از میان برداشت ولی در همین ایام بود که قرارداد ۱۹۰۷ م بین روس و انگلیس به امضاء رسید و در تمام رسانه‌های دنیا و ایران آشکار گردید بدین صورت این آشتی شوم میان دو قدرت استعماری باعث گردید اگر روس‌ها تا آن روز در حدی از خشونت‌های خود بکاهند اما از همین ایام با تبانی با انگلیسی‌ها در این قرارداد خود را برای نابودی کامل مشروطه بدون مدعی می‌دیدند. از این تاریخ به بعد هر اقدامی از طرف روس‌ها به تدریج زمینه را برای تجزیه ایران آماده می‌کرد و برای جلوگیری از پیشرفت آن در انتظار نشسته بود تا انگلستان در جای دیگر گرفتار شود و آنگاه ناگهان ضربت نهایی خود را بر ایران فرود آورد (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۳۳۲) و با این دیپلماسی گام‌به‌گام روس‌ها بود که شاه با برنامه‌ریزی معلم روسی خود (شاپشال) و حمایت نیروی قزاق به فرماندهی لیاخوف روسی زمینه‌های توطئه برای انهدام مجلس اول و انقلاب را فراهم نموده، بدین ترتیب پس از قرارداد ۱۹۰۷ م که سرآغاز جولان بی‌مهار و هماهنگ روس‌ها برای اسارت اضمحلال و اختناق کامل ایران بود باعث گردید آشفتگی و خفقانی تمام عیار بر ایران حاکم ساخته و زمینه سقوط مشروطیت را فراهم سازند (براون، ۱۳۸۶: ۲۵۱).

۳. مشروط شدن قدرت شاه به مثابه تحدید نفوذ روسیه

دربار روسیه با همکاری نیروی خود در ایران و با نیروی نظامی که از مرزها وارد می‌کردند زمینه را برای به چالش کشیدن انقلاب و انزوای آن فراهم می‌کردند (ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ۶۸۶). روس‌ها به بهانه حمایت از مأموران سیاسی خود نیروهای زیادی را به سمت تبریز گسیل داشته و موجبات وحشت مردم و مجلس را ایجاد نموده و شاه و لیاخوف را آماده به توپ بستن مجلس نمودند. روس‌ها شاه را وارد می‌کردند که مشروطیت را براندازد و مجلس را منحل کند و حکومت مطلقه سابق را برگرداند (بینا، ۱۳۴۱: ۵۰۱) البته باید توجه داشت که شاه ذاتاً فردی مستبد بود و افکار و روحیات او با نظام مشروطه سازگار نبود و همین افکار باعث گردیده بود که همزیستی با مجلس را غیرممکن بداند و این بهانه‌ها را هم بعضی از احزاب تندرو مشروطه خواه هم به او داده بودند باید گفت که در آن روزهای سخت فقدان یک نیروی منسجم ملی و مردمی و نبود مردان بزرگ سیاسی در تشکیلات محکم و منظم کشور یکی از علل اصلی اقدامات



شاه و روس‌ها بر ضد نظام مشروطه بود (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۵۶۲). یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظامی روس‌ها در ایران نیروی قزاق بود که مهم‌ترین وسیله اعمال نفوذ آن‌ها محسوب می‌شد و بوسیله آن‌ها مجلس را به توپ بسته و مشروطه را ناکام گذاشتند، روس‌ها با این اقدام قزاق‌ها در تهران پیشرفت درخشانی بدست آوردند (کرزن، ۱۳۷۳: ۷۴۵). بدینگونه بود که روس‌ها توانستند به عمر مشروطه جوان در ایران موقتاً پایان دهند. در نتیجه قدرت خارجی استعمار روسیه تزاری به صورت دیپلماتیک اقدام سیاسی مخفی نمایش نیرو و تهاجم نظامی با نیروهای خود برای حمایت از شاه و بازگشت حکومت استبدادی تمام سعی و تلاش خود را به عمل آورد. البته طبیعی بود که استعمار روس از بروز انقلاب واهمه داشت و به همین دلیل با استفاده از ابزار نظامی نهایت تلاش خود را انجام داده تا انقلاب مشروطه را از بین ببرد. به نظر می‌رسد که اقدامات استعمارگران به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در سرنوشت انقلابات نقشی محوری داشته زیرا هر قدر انقلابیون از خودگذشتگی و ایثار نشان دهند به همان اندازه نیز نگرانی استعمارگران تحریک می‌گردد.

این بود که روس‌ها با اقدامات خود توانستند یک بار دیگر بر ارکان سیاسی حکومت ایران مسلط شوند اما این پایان کار برای استبدادگران و استعمارگران نبود. مردم ایران که توانسته بودند به لطف انقلاب مشروطه برای بار اول به نام آزادی و استقلال، قدرت استبدادی شاه را محدود سازند یکبار دیگر دیکتاتوری مستبدانه‌ی شاه قاجار به کمک مستقیم روسها بر جامعه حاکم گردید. در این میان سهم روس‌ها در سرکوبی مشروطه بیشتر بود. دولت روسیه نیز که خود با رژیم استبدادی کامل اداره می‌شد، به هیچ وجه حاضر نبود وجود یک حکومت مشروطه و قانونی را در همسایگی خود تحمل کند و اقدامات وطن‌پرستانه‌ی مجلس جوان ایران آتش غضب زمامداران آن کشور را تندتر می‌کرد.

در این موقع وضع سیاسی ایران شکل خاصی به خود گرفته بود. بسیاری از کشورهای جهان ایران را به عنوان یک کشوری که دارای پارلمان بود می‌شناختند اما در این شرایطی که نه مجلسی وجود داشت و نه مرجع قانونی دیگری که در نبود پارلمان ناظر بر اعمال و رفتار شاه و دولت باشد. در جریان انهدام مجلسی و تعطیلی آن یکی از



موضوعاتی که نه شاه و نه روس‌ها در برآورد سیاسی خود از آن غافل بودند این بود که ایران فقط تهران نبود و این فتح نمی‌توانست برای آن‌ها به منزله پایان کار مشروطه باشد و این سؤال ایجاد شد که انقلاب در سایر شهرهای ایران هم تأثیرات خود را بجا گذاشته و موجبات بیداری آن‌ها را فراهم نموده بود و این مشخصه‌ی همه‌ی انقلابات بود. قیام مردم تبریز باعث گردید که بار دیگر خواب خوش از چشمان استبداد و استعمار برهاند و فرزندان شجاع و دلیر و آگاه تبریز با قیام خود شعله‌ای فروزان در روزهای تاریک را در سراسر ایران برپا کردند مقاومت در تبریز به سایر مناطق کشور دل و جرات بخشید و نیروهای اجتماعی تازه‌ای اعم از ایرانی قفقازی، ارمنی و..... وارد صحنه مبارزه شدند. آذربایجان ایران گیلان رشت اصفهان علیه استبداد قیام نمودند و نیروهای حزب دانشک و در رأس آن‌ها یاقوم خان سردار نقش کلیدی در تصرف تهران و بازگشت دوباره مشروطه در ایران را بر عهده گرفتند. کمیته ستار که در رشت تشکیل گردید نیرویی سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده در مبارزات بر علیه شاه بودند. این گروه‌ها توانستند تهران را فتح کنند و بار دیگر مشروطه را زنده نمایند (فارن، ۱۳۸۰: ۲۹۳).

۴. احیای مشروطیت به تهران به هزینه منافع روسیه

البته بازگشت مشروطیت به همان اندازه که حرکتی ضد شاه بود به ضرر روسیه تزاری نیز تمام می‌شد چون شاه بر استی عروسک روسیه و آلت دست قوای روسیه یعنی اشغالگران آذربایجان بود (فارن، ۱۳۸۰: ۲۸۴). روس‌ها تلاش زیادی برای مبارزه با مشروطه‌خواهان و شاه نمودند بخش‌های وسیعی از غرب ایران در آذربایجان ایران را تصرف کردند از نفوذ خود در میان بعضی از سران فاتح تهران نهایت تلاش خود را انجام داده تا مانع حرکت آن‌ها به سمت تهران شوند ولی این اقدامات نتوانست حرکت آن‌ها را متوقف کند. شاه به سفارت روس پناهنده شد. ولی با این اقدام روس‌ها بهترین مهره خود را در ایران از دست دادند. بعد از آن دولت مشروطه با مسائل پیچیده و مشکلات گوناگون داخلی جدیدی روبه‌رو شد، یکی از آن‌ها ورود سربازان روسیه تزاری در آذربایجان ایران) و سپس شمال ایران بود، مداخله آشکار روس‌ها در امور داخلی ایران باعث گردید اولاً قدرت شاه از بین برود چون شاه جدید ایران ۱۲ سال بیشتر نداشت، مجلس دوم که تازه شروع بکار کرده بود با مشکلات گوناگونی مواجه



بود. دوماً ایجاد نفاق و دود سستگی میان مشروطه‌خواهان سوماً حضور نیروهای نظامی روسیه در غرب و شمال ایران چهارم توطئه برای بازگشت شاه عزل شده که به روسیه تبعید شده بود پنجم شورش و قیام برادران شاه برای بازگشت مجدد حکومت استبدادی دی در ایران در چنین فضایی بود که مجلس و مشروطه‌خواهان تصمیم به ساماندهی اوضاع اقتصادی ایران گرفته و با استخدام یک هیئت آمریکایی به رهبری مورگان شوستر تمام تلاش خود را برای بهبود اوضاع نابسامان کشور گرفتند.

اما این اقدامات مجلس با رقابت و فشار دو قدرت استعماری روس و انگلیس مانع هرگونه اصلاحات در ایران شدند. روس‌ها تصمیم گرفته بودند به هر بهانه‌ای شوستر را اخراج و انقلاب جوان را یکبار دیگر نابود گردانند در این راستا شوستر و دولت دستور دادند که تمام اموال برادران شاه عزل شده را مصادره کنند چون علیه مشروطه دست به شورش و طغیان زده بودند، روس‌ها به بهانه اینکه اموال برادران شاه در رهن وام گرفته شده آنها از بانک استقرای روس‌ها بوده طی اولتیماتومی به دولت ایران خواستار عزل شوستر و اخراج او از ایران شدند و برای عملی شدن این هدف خود نیروهای جدیدی را از مرزهای شمالی وارد ایران نمودند و تهدید کردند اگر تا ۴۸ ساعت اگر شوستر اخراج نشود تهران را فتح خواهند نمود. انگلیسی‌ها هم بر اساس توافقات خود با روس‌ها با این اقدام آن‌ها هماهنگ بوده و از دولت ایران می‌خواستند تا به سرعت اولتیماتوم را بپذیرند (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۵۶۲).

اهداف انگلیسی‌ها این بود که اولاً روس‌ها نیروی بیشتری را بسوی ایران گسیل ندارند. تا ایران را اشغال نظامی کنند، دوماً نمی‌خواستند در مقابل روس‌ها اقدامی انجام دهند که منجر به هم خوردن روابط سیاسی آن‌ها در آن لحظات حساس تاریخی که آلمان آن‌ها را تهدید می‌کرد باشند، بدینگونه بود که علی‌رغم مخالفت مجلس خصوصاً سخنان روحانی مبارز شهید مدرس علیه روس‌ها اینبار هم همانند مجلس اول با فشار و قدرت خارجی خصوصاً روس‌ها مجلس دوم مشروطه هم تعطیل گردید.

۵. تجزیه و تحلیل

انقلاب مشروطه ایران یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران بود؛ انقلابی که در ظاهر برای محدود کردن قدرت مطلقه شاه، ایجاد قانون، تشکیل مجلس و تأسیس



حکومت مبتنی بر قانون شکل گرفت، اما در سطحی عمیق‌تر تلاشی برای تغییر ساختار قدرت در ایران بود. این تحول نه تنها ساختار سنتی حکومت قاجار را تهدید می‌کرد، بلکه منافع قدرت‌های خارجی، به‌ویژه روسیه تزاری را نیز به خطر می‌انداخت. روس‌ها از مخالفان اصلی مشروطه بودند و در نهایت نیز با دخالت نظامی، حمایت از محمدعلی‌شاه و سرکوب مشروطه‌خواهان نقش مهمی در شکست نخستین دوره مشروطه ایفا کردند. علت اصلی این مخالفت را باید در شیوه نفوذ روسیه در ایران جست‌وجو کرد؛ نفوذی که عمدتاً از طریق دربار قاجار، شاهزادگان، دستگاه دیوانی و ساختار استبدادی حکومت اعمال می‌شد.

روسیه تزاری در قرن نوزدهم یکی از مهم‌ترین قدرت‌های استعماری پیرامون ایران بود. پس از جنگ‌های ایران و روس و انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای، نفوذ روسیه در شمال ایران به شدت افزایش یافت. روس‌ها نه تنها امتیازات اقتصادی فراوانی به دست آوردند، بلکه به تدریج در ساختار سیاسی ایران نیز نفوذ کردند. این نفوذ برخلاف نفوذ بریتانیا که بیشتر بر تجارت، جنوب ایران و شبکه‌های اقتصادی متکی بود، عمدتاً بر دربار و شخص شاه استوار بود. روس‌ها دریافته بودند که در ساختار سیاسی ایران قاجار، قدرت واقعی در دست شاه و حلقه درباریان قرار دارد؛ بنابراین برای حفظ منافع خود باید سلطنت مطلقه حفظ شود.

در دوره ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه، وابستگی مالی و سیاسی دربار قاجار به روسیه افزایش یافت. وام‌های کلانی که دولت روسیه به ایران می‌داد، عملاً شاه را به روس‌ها وابسته می‌کرد. بسیاری از شاهزادگان و رجال درباری نیز روابط نزدیک با سفارت روسیه داشتند و از حمایت مالی و سیاسی آن بهره می‌بردند. در چنین شرایطی، هرگونه محدود شدن قدرت شاه به معنای کاهش نفوذ روسیه بود. مجلس، قانون اساسی و نظارت عمومی می‌توانستند تصمیم‌گیری‌های پنهانی دربار را محدود کنند و راه نفوذ خارجی را ببندند. از این رو روس‌ها انقلاب مشروطه را تهدیدی مستقیم علیه منافع استراتژیک خود می‌دانستند.

یکی از مهم‌ترین ابزارهای نفوذ روسیه در ایران، بریگاد قزاق بود. این نیروی نظامی که با افسران روس اداره می‌شد، عملاً بازوی نظامی روسیه در ایران محسوب می‌شد.



فرماندهان روس بریگاد قزاق نقش مهمی در حفاظت از شاه و دربار داشتند و به همین دلیل وفاداری آن‌ها نه به ملت ایران بلکه به سلطنت و منافع روسیه بود. زمانی که انقلاب مشروطه اوج گرفت، روس‌ها از همین نیروی نظامی برای حمایت از محمدعلی‌شاه استفاده کردند. به توپ بستن مجلس در سال ۱۲۸۷ خورشیدی نیز با هدایت لیاخوف روسی، فرمانده بریگاد قزاق، انجام شد. این رخداد به‌خوبی نشان می‌دهد که روسیه چگونه از نفوذ خود در دربار و نیروهای وابسته به شاه برای مقابله با مشروطه استفاده کرد.

از نگاه روسیه تزاری، مشروطه تنها یک تحول داخلی در ایران نبود، بلکه خطری ایدئولوژیک نیز به شمار می‌رفت. روسیه خود یک حکومت استبدادی بود و تزارها از گسترش اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و پارلمانی در همسایگی خود بیم داشتند. در اوایل قرن بیستم، روسیه با بحران‌های داخلی، جنبش‌های انقلابی و اعتراضات گسترده روبه‌رو بود. انقلاب ۱۹۰۵ روسیه نشان داده بود که اندیشه قانون‌گرایی و پارلمان‌خواهی می‌تواند حکومت تزاری را تهدید کند. بنابراین اگر مشروطه در ایران موفق می‌شد، ممکن بود الهام‌بخش مسلمانان قفقاز و حتی مخالفان داخلی تزار شود. به همین دلیل روسیه نه‌فقط به دلایل ژئوپلیتیکی، بلکه به دلایل ایدئولوژیک نیز با مشروطه دشمنی داشت.

ساختار سیاسی ایران قاجاری نیز زمینه این نفوذ را فراهم می‌کرد. حکومت قاجار یک نظام شخصی و درباری بود که در آن نهادهای مستقل سیاسی وجود نداشت. شاه می‌توانست بدون پاسخگویی تصمیم بگیرد و امتیاز بدهد. این وضعیت برای روسیه بسیار مطلوب بود، زیرا کافی بود شاه یا چند رجل بانفوذ را تحت تأثیر قرار دهد تا سیاست‌های ایران در راستای منافع روسیه تنظیم شود. اما مشروطه می‌خواست این وضعیت را تغییر دهد. تشکیل مجلس شورای ملی به معنای ورود نیروهای جدید اجتماعی مانند تجار، روحانیون، روشنفکران و مردم به عرصه سیاست بود. این نیروها معمولاً نگاه انتقادی‌تری نسبت به نفوذ خارجی داشتند و خواهان استقلال بیشتر ایران بودند. بنابراین مشروطه تهدیدی مستقیم علیه سازوکار سنتی نفوذ روسیه محسوب می‌شد. روس‌ها همچنین نگران بودند که پیروزی مشروطه باعث تقویت ناسیونالیسم ایرانی شود. بسیاری از مشروطه‌خواهان بر استقلال کشور، مقابله با امتیازدهی به



خارجیان و اصلاح ساختار دولت تأکید داشتند. در فضایی که مجلس قدرت بگیرد و افکار عمومی فعال شود، ادامه امتیازات استعماری روسیه دشوار می‌شد. برای نمونه، قراردادهای اقتصادی و وام‌های خارجی ممکن بود زیر سؤال بروند. همین امر سبب شد روس‌ها از جناح استبداد حمایت کنند؛ زیرا استبداد برای آن‌ها قابل پیش‌بینی‌تر و قابل کنترل‌تر بود.

قرارداد ۱۹۰۷ میان روسیه و بریتانیا نیز نقش مهمی در سرنوشت مشروطه داشت. در این قرارداد، ایران عملاً به مناطق نفوذ میان دو قدرت تقسیم شد؛ شمال تحت نفوذ روسیه، جنوب تحت نفوذ بریتانیا و بخش مرکزی منطقه بی‌طرف اعلام شد. این توافق نشان می‌داد که قدرت‌های خارجی بیش از آنکه به استقلال و اصلاحات ایران اهمیت دهند، به حفظ منافع خود می‌اندیشند. روسیه پس از این قرارداد با اطمینان بیشتری علیه مشروطه عمل کرد، زیرا می‌دانست بریتانیا نیز حاضر نیست برای دفاع از مجلس و آزادی‌خواهان وارد درگیری جدی شود. پس از به توپ بستن مجلس، نیروهای روسیه دخالت نظامی مستقیم در ایران را افزایش دادند. تبریز که یکی از مراکز اصلی مشروطه‌خواهی بود، هدف حمله روس‌ها قرار گرفت. بسیاری از آزادی‌خواهان کشته شدند و فضای رعب و سرکوب گسترش یافت. روسیه حتی پس از فتح تهران و بازگشت مشروطه نیز تلاش کرد نفوذ خود را حفظ کند. اولتیماتوم روسیه در سال ۱۹۱۱ برای اخراج مورگان شوستر آمریکایی نمونه دیگری از این سیاست بود. شوستر در تلاش بود نظام مالی ایران را اصلاح کند و وابستگی دولت به روس و انگلیس را کاهش دهد. روس‌ها این اقدام را تهدیدی برای نفوذ خود دانستند و با تهدید نظامی، دولت ایران را وادار به اخراج او کردند. این رخداد نشان داد که روسیه با هرگونه اصلاح نهادی که قدرت دربار وابسته و نفوذ خارجی را محدود کند، مخالفت می‌کرد.

در واقع، روسیه از ایران ضعیف و استبدادی سود می‌برد. حکومتی که بر پایه روابط شخصی، فساد درباری و وابستگی مالی اداره شود، آسان‌تر تحت نفوذ قرار می‌گیرد. اما مشروطه در پی ساختن دولتی قانون‌مند، پاسخگو و ملی بود. چنین دولتی می‌توانست در برابر دخالت خارجی مقاومت بیشتری نشان دهد. بنابراین تضاد میان روسیه و مشروطه، صرفاً تضاد میان یک کشور خارجی و یک انقلاب داخلی نبود؛ بلکه تقابل میان دو نوع



نظم سیاسی بود: نظم استبدادی وابسته و نظم قانون‌گرای ملی. مخالفت روس‌ها با انقلاب مشروطه ریشه در ساختار نفوذ آن‌ها در ایران داشت. روسیه نفوذ خود را عمدتاً از طریق شاه، دربار، شاهزادگان و ساختار استبدادی قاجار اعمال می‌کرد. هرچه قدرت شاه مطلق‌تر بود، نفوذ روسیه نیز بیشتر می‌شد. مشروطه با محدود کردن قدرت سلطنت، ایجاد مجلس و گسترش مشارکت سیاسی، این سازوکار نفوذ را تهدید می‌کرد. به همین دلیل روسیه تزاری نه تنها از مخالفان مشروطه حمایت کرد، بلکه مستقیماً در سرکوب آن دخالت نمود. دفاع روسیه از استبداد قاجاری در حقیقت دفاع از شبکه نفوذ خود در ایران بود؛ شبکه‌ای که بر وابستگی دربار و ضعف نهادهای ملی استوار شده بود.

نتیجه‌گیری

مشروطیت اگرچه از غرب الگو می‌گرفت اما در حقیقت نخستین تلاش ایرانیان برای تغییر مناسبات قدرت و مشارکت سیاسی در چهارچوب نظام موجود پادشاهی بود که از نظر شکل و محتوا سابقه‌چندانی نداشت. زیرا با این انقلاب ایران به دنیای جدید قدم گذاشت و در میراث مدرنیته سهیم شد. استبداد سنتی و استعمار مهار نشده روس‌ها به مدد قانون مهار گردید و در بستر جامعه سنتی ایران نهادها و سازمان‌های دموکراتیک با هدف حاکمیت قانون و مردم‌سالاری پدیدار گشت. هرچند این قانون در ادامه راه با مخالفت‌های شدید استعمارگران خاصه روسیه تزاری مواجه گردید. ولی بدین ترتیب با نهضت مشروطه هم فرآیند چرخه قدرت سیاسی و هم شکل و بنیاد دولت و حکومت دستخوش دگرگونی شد و هم این مسئله موجبات نگرانی استبداد داخلی و قدرت‌های خارجی خصوصاً روس‌ها را فراهم نمود از همین رو انقلاب مشروطه نه فقط مهم‌ترین تحول سیاسی عصر قاجار بلکه در زمره برجسته‌ترین رخدادهای تاریخی ایران قرار گرفت اما تحولات بین‌المللی خاصه دو قدرت استعمارگر روس و انگلیس چنان عرصه را بر آزادیخواهان تنگ نموده که بعد از فرمان مشروطیت و مرگ شاه جانشین او را برای مبارزه جدی و نابودی انقلاب و انقلابیون مهیا نموده خصوصاً روس‌ها که نمی‌توانستند با حکومتی که در چهارچوب قانون حرکت می‌کرد موافق باشند. زیرا موجب کاهش نفوذ و غارت آن‌ها می‌شدند. از این رو روس‌ها از همان آغاز انقلاب مشروطه به همراه محمدعلی شاه که تربیت شده خود روس‌ها بود به‌عنوان دو مخالف



جدی انقلاب مشروطه در عرصه نظام سیاسی ایران دست به مبارزه علیه آن زدند و دیدیم که چگونه روس‌ها مرحله‌به‌مرحله برای نابودی انقلاب، با سکوت و سازشی که با انگلیس‌ها در قرارداد ۱۹۰۷ میلادی انجام داد مجلس را به توپ بستند و گام اول را علیه مشروطه محکم برداشتند و بعد از آن به واسطه همان قرارداد با انگلیس‌ها بخش‌های وسیعی از خاک ایران را اشغال و با اولتیماتوم خود مجلس دوم مشروطه را هم به تعطیلی کشانده و انقلابیون و آزادیخواهان که در این راه جان‌فشانی‌ها کرده بودند به واسطه تهدید و اشغال نظامی ایران بوسیله روسیه تزاری برای بار دوم حرکت انقلابی مردم ناکام ماند.

منابع

- ایوان الکسوویچ زینویف. (۱۳۶۲). انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه‌ی ابوالقاسم اعتصامی، تهران، چاپ اقبال.
- براون، ادوارد. (۱۳۸۶). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت. جلد اول، ترجمه‌ی محمد عباسی، تهران: نشر علم.
- بیانی، خانبابا. (بی‌تا). روابط سیاسی با دولت‌های خارجی، جلد دوم، چاپ اول. تهران: علمی.
- بینا، علی اکبر. (۱۳۴۱). تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران. جلد دوم، تهران.
- دولت‌آبادی، یحیی. (۱۳۷۱). تاریخ معاصر، حیات یحیی، جلد دوم، چاپ ششم، تهران: عطار و فردوس.
- شمیم، علی‌اصغر. (۱۳۸۰). ایران در دوره سلطنت قاجار، چاپ دوم، شیخ الاسلامی، جواد. (بی‌تا). مقاله سیاسی اقتصادی شماره ۲۳۵ ۲۲۷.
- شیخ‌الاسلامی، جواد. (بی‌تا). افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار، چاپ اول، تهران: کیهان.



فوران، جان. (۱۳۸۰). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب. ترجمه احمد تدین. چاپ سوم، تهران: رسا.

کاظم‌زاده، فیروز. (۱۳۷۱). روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴: پژوهشی درباره امپریالیسم. ترجمه منوچهر امیری. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

کرزن، لرد. (۱۳۷۳). قضیه ایران. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کسروی، احمد. (۱۳۵۷). تاریخ مشروطه ایران جلد اول، تهران: امیر کبیر.

ملک‌زاده، مهدی. (۱۳۷۱). تاریخ مشروطیت ایران، جلد دوم، تهران: علمی.

ملکم خان، میرزا. روزنامه قانون، شماره ۱۳۴۰.

هاردینگ، سرآرتور. (۱۳۷۰). خاطرات سیاسی سرآرتور هاردینگ. ترجمه دکتر جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: کیهان.

هدایت، محمد قلیخان. (۱۳۶۲). طلوع مشروطیت، به کوشش امیر اسماعیلی، تهران، جام.